

# اعتراضات معلمان به مثابه یک جنبش اجتماعی

سعید مدنی در اتاق کلاب هاوس سازمان معلمان ایران

اعتراضات معلمان ویژگی های یک جنبش اجتماعی نوین را دارد

سخن درباره جنبش اجتماعی در میان کسانی که خودشان فعال و کنشگرای اجتماعی هستند خیلی دشوار است اما بحث و گفت و گو در جمع کنشگران این حسن را دارد که پیوند بین نظریه و عمل خودش چالش هایی رو ایجاد می کند که می تواند به بحث کمک کند.

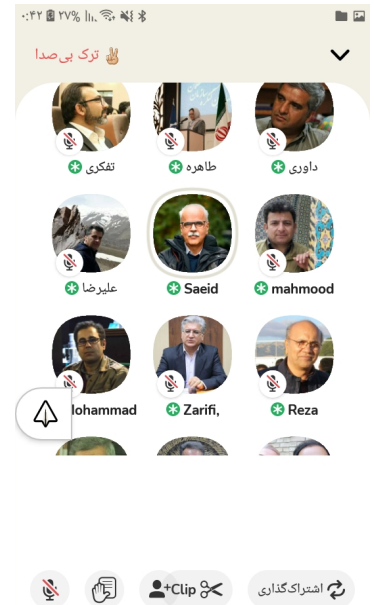
این جملاتی بود که سعید مدنی در آغاز سخنان خود در اتاق سازمان معلمان ایران در کلاب هاوس عنوان کرد، سخنانی که در واقع خطاب به اعضای تشکل های معلمی و فعالان صنفی و سیاسی حاضر در اتاق ایراد نمود.

معترضان نسبت به جامعه و سازمان خود وفادارتر از منفعلان هستند

این پژوهشگر و جامعه شناس در بخش مقدماتی سخنان خود با اشاره به تشکل ها و نهادهای مدنی معلمی و کنشگری آنها در قبال نظام آموزشی و دستگاه آموزش و پرورش گفت: در این نهاد ها یا موسسه ها یا سازمان ها سه گرایش مهم در مقابل نارضایتی از وضع موجود وجود دارد، مثلا در نظام آموزش پرورش کشور معلمان در مقابل نارضایتی از وضعیت موجود سه رفتار متفاوت دارند. دسته ای گزینه ی خروج را انتخاب می کنند چون از وضعیت شغلی رضایت ندارند و روابط نظام آموزشی رو نمی پسندند یا درآمدشان کفاف زندگیشان را نمی دهد لذا سعی می کنند از شغل معلمی خارج شوند یعنی در هر حال ناراضی هستند. دسته ی بعدی بی اعتنا هستند و اظهار نارضایتی نمی کنند و وارد کنش هایی که منجر به تغییر وضع بشود نیز نمی شوند و به شکل های دیگری درآمد رو تامین می کنند مانند تدریس خصوصی و یا به اشکال دیگر. بطور کلی بی اعتنا هستند. دسته ی سوم از ناراضی ها کسانی هستند که اعتراض می کنند و نارضایتی شان را بیان می کنند البته این گروه رو می توان به سه دسته تقسیم کرد یک دسته اعتراض خصوصی می کنند، در گروه های خانوادگی از وضعیت خودشون ابراز نارضایتی می کنند. گروه دوم اعتراض می کنند ولی این اعتراض اعتراض افقی است یعنی در گفت و گو همکاران شروع به اعتراض و نارضایتی می

کنند و با هم تبادل نظر می کنند و نارضایتی شان را بیان می کنند و گروه سوم گروهی هستند که اعتراض عمودی دارند که به مدیریت اعتراض می کنند و به اشکال دیگری اعتراض خود را به مدیریت نشان می دهند این گروه سوم می تواند نارضایتشان به نارضایتی اجتماعی منجر شود.

مدنی در ادامه این بحث افزود: بحث هایی در مورد این سه گروه هست که در هر سازمان می توانیم تشخیص بدهیم مثل اینکه بعضی از شهروندان اعلام نارضایتی می کنند و شورش می کنند و بعضی ها می روند در یک سرزمین دیگری و در یک سازمان دیگری زندگی خودشان را از نو می سازند این افراد در واقع به اصطلاح ناراضی هستند و آن را با خروج از سازمان نشان می دهند و دسته ی دوم هم بی اعتنا هستند و معمولاً ناظر هستند و خودشان را درگیر کنش های اعتراضی نمی کنند و گروه سوم در جنبش های اجتماعی و اعتراضی نیز اعتراض خودشان را بیان می کنند در این زمینه یک نکته ای وجود دارد که بحث وفاداری هست به این معنی که یک سوالی همیشه مطرح هست که کدام یک از این سه گروه وفادار تر هستند نسبت به سازمانشان؟ آنهاییکه خروج می کنند وفاداری ندارند و علاقه یی به شغلشان ندارند و با شغل دیگره ای کسب درآمد می کنند و خیلی وفاداری به سازمان ندارند. بنابراین دو گروه می ماند. یک گروه آنهایی هستند که بی اعتنا هستند و با خودشان می گویند شاید اعتراض ما به آن مجموعه باعث ضعف مجموعه شود و ابراز نارضایتی نکنیم و آنهاییکه اعتراض می کنند به خاطر احساس مسئولیت و دلبستگی و وفاداری به سازمان که این گروه در توسعه یک جامعه نقش مهمی دارند و به خاطر همین اعتراض می کنند تا وضع مجموعه بهبود پیدا کند یا کسانی به شکل های مختلفی به بیرون می آیند و اعتراض می کنند به نوعی به دنبال این هستند که جامعه را بهتر کنند و اعتراض می کنند به چیزهایی که تهدید می کند سیاست ها را و جامعه را و مجموعه را. پرسش این است که در بین این دو گروه کدام یک از آنها وفاداریشان بیشتر است؟ که اغلب صاحب نظران می گویند که گروه معترضین معمولاً وفاداری بیشتری دارند.



## جنبش های اجتماعی باعث جلوگیری خروج افراد از سازمان می شوند

سعید مدنی پس از این نکات مقدماتی بحث خود را اینگونه ادامه داد که: افراد معترض در واقع کسانی هستند که در ردیف فعالان جنبش های اجتماعی قرار می گیرند و این افراد جنبش را شکل می دهند این جنبش را مردم معترض به وجود می آورند. حال پرسش اینجاست که کارکرد این جنبش ها چیست؟

نخست اینکه جنبش افراد معترض را دور هم می آورد و قدرتشان را بیشتر می کند و از تعداد بی اعتنا ها کم می کنند و با ترویج وفاداری نسبت به آرمان هایشان در واقع کسانی را که بی اعتنا هستند به وضعیت موجود و ناراضی هستند ولی حاضر نیستند هزینه کنند و فعالیت کنند را فعال می کنند و موفق می شوند آنها را به گروه معترضین بیاورند و کسانی را که خروج می کنند را هم تلاش می کنند نگه دارند و در تلاش هستند برای اصلاح سازمان، در واقع کار جنبش اجتماعی و کارکرد اصلی آن در این مدل را می شود اینگونه توضیح داد.

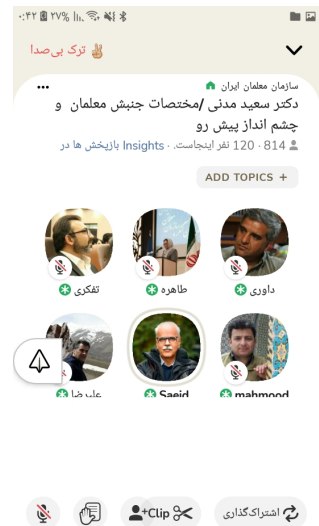
مدنی افزود: بحث های زیادی وجود دارد که چرا این جنبش ها مهم هستند؟ از نظر من همه ی جنبش ها مهم هستند بخشی از آنها انکار ناپذیر هستند بنابراین باید به رسمیت شناخته شوند حتی اگر دولت این ها را نادیده بگیرد. جنبش ها از این جهت مهم اند که یکی ابعاد دیگر زندگی اجتماعی را باز می کنند هم در درون خودشان و هم بیرون خودشان فعالان جنبش گفت و گو می کنند با خودشان برای زندگی بهتر و از طرف دیگر با بیان دیدگاههایشان بقیه افراد را هم آشنا می کنند با دیدگاه های خودشان.

**جنبش‌ها موتور محرک تغییر اجتماعی هستند و به تربیت اخلاق هم کمک می‌کند**

سعید مدنی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به کنش‌های اعتراضی معلمان گفت: بنابراین من که افتخار معلمی رو نداشتم با شنیدن اخبار این جنبش آرام آرام آشنا شدم با مشکلات زندگی معلمان. بخش دیگر جنبش‌ها که بسیار مهم است این است که گفته شده که قلب انگیزه انسانی هستند و کسانی از فعالان که منفعت جمعی را ترجیح می‌دهند و کسانی که در این جنبش هستند می‌دانند که یک هزینه‌هایی دارد و تبعاتی دارد برایشان ولی برای منفعت جمعی می‌پذیرند و باعث ترویج انگیزه‌های انسانی می‌شوند. نقش مهم دیگر این جنبش‌ها این است که موتور محرک تغییر اجتماعی هم هستند به طوری که نیروی محرکه بسیاری از تحولات اجتماعی در نیم قرن اخیر در ایران و خارج از ایران همین جنبش‌های اجتماعی بودند مثلاً به تربیت اخلاق هم کمک می‌کند و منجر به تقویت روح جمعی کمک می‌شوند و به همین خاطر است که گفته می‌شود جنبش‌ها مهم هستند چون تاثیرات بسیار مثبتی بر جوامع دارند.

این جامعه‌شناس و پژوهشگر اجتماعی در ادامه سخنان خود پس از بیان ضرورت و پیامدهای جنبش‌های اجتماعی با طرح این پرسش‌ها که باید حالا بدانیم که جنبش چیست؟ و چه ویژگی‌هایی دارد؟ افزود: اعتراض‌ها گاهی شکل جمعی پیدا نمی‌کند مثلاً برای حجاب دختران دسته جمعی اعتراض نمی‌کنند و با چادر و روسری سر نکردن سعی می‌کنند اعتراض خودشان را نشان بدهند، این اعتراض است ولی جنبش نیست. شورش هم همین طور است که یک جمعی ناگهانی جمع می‌شوند چند روز هم ادامه دارد ولی جنبش نمی‌شود. جنبش در واقع چند ویژگی دارد که هر اعتراضی این ویژگی‌ها را داشته باشد می‌توان گفت آن اعتراض جنبش است.

نخست اینکه هویت و چیستی آن مشخص است و دوم اینکه موضوع آن نیز مشخص است سومین ویژگی جنبش این است که چشم انداز دارد لذا هر اعتراضی که این ویژگی‌ها را داشته باشد یک جنبش است.



## جنبش های اجتماعی به جامعه امید می دهند

سعید مدنی در ادامه این بحث گفت: طبق نظر یکی از جامعه شناسان، ارزشمندی، وحدت، نماد و شعار مشترک و تعهد و مقاومت و از خودگذشتگی تعدادی از افراد در یک حرکت اعتراضی به آن حرکت ماهیت جنبشی می دهد.

وی افزود: جنبش ها زاینده و بانی تحولات هستند و افراد فعالی را در واقع متحول می کنند جنبش ها تاثیرشان فقط برای افرادی که جنبش را راه انداختند نیست بلکه تاثیر آنها بزرگ تر از محدوده آن جمع است. تاثیرات جنبش ها را در فرایند حرکتشان به دو دسته تقسیم می کنند یکی دستاوردهایی است که جنبش ها درحوزه عمومی دارند مثلا در فرهنگ و نگرش عمومی اثر می گذارند و امید ایجاد می کنند چرا که وقتی یک جنبشی می آید و مطالبات خودش را دنبال می کند یک احساس امیدی به کل جامعه نیز انتقال می دهد.

مدنی افزود: یکی دیگر از تاثیراتی که جنبش ها می گذارند این است که تاکتیک و روش هائی را تجربه می کنند و این را منتقل می کنند به سایر جنبش های اجتماعی. هر جنبشی که دارد فعالیت می کند انگار دارد تجربه هایش را به دیگر جنبش ها انتقال می دهد و جنبش ها چون تا حد زیادی بقای خود را حفظ می کنند و چون تداوم دارند و به حیات خودشان ادامه می دهند به آنها جنبش می گوئیم این نوعی آموزش بقا است به کل جامعه و این نشانه موفقیت یک جنبش است.

وی در ادامه این مطلب گفت: جنبش ها افراد رو وادار به فکر می کنند در باره مسائل دیگری که فکر نمی کردند و می تواند تقویت کند جامعه و نظام حکمرانی را و مهم ترین شاخص بین جنبش ها و دولت ها

میزان دموکراتیک بودن آنها است هرچقدر دموکراتیک‌ها بیشتر باشد رابطه بهتری خواهند داشت و حتی تبلیغ می‌کنند که مسائل را از طریق این جنبش‌ها حل بکنند اما نظام‌های اقتدارگرا چشم دیدن جنبش‌های اجتماعی را ندارند همانطور که چشم دیدن جامعه مدنی را ندارند